



## آثار عتیقه بودائی بامیان

- ۱۰ -

مترجم جناب احمد علیخان

بن سقف را فقط برای ساعت تیری در هم و بر هم ساخته اند و مفاد دیگری جز غرابت ندارد. این دسته مهم که در بین سکروپ مجاور ناق بودا قرار گرفته در عصری ساخته شده که معبد دارای اطاق های کافی نبوده و بدین جهت سه اطاق دیگر در سطح دیوار و ارتفاع پائین تری حفر کرده اند چنانچه ذریعه سوراخ مربعی که در دالان معمولی وجود دارد میتواند از چند پله سر نشیبی گذشته در یکی از آن اطاق ها که رخس جانب ذره باز است، رفت. از دو سوراخ کوچک دیگری که یکی در زمین رواق خانه معبد و دیگری در زمین برنده دخول مجاور زینه بودا، کشیده شده، میشود راساً بدو اطاق دیگری رفت. چون این اطاق های اخیر الذکر بلاشک برای دوکات ها مختص بودند منفذ دیگری جز سوراخ های مدخل ندارند.

چون زینه را تا به نقطه مرتفعه آن بالا رفته ، دهلیز دور سر بودا را دور زده باز در امتداد جدار دیگر ، زینه متناظر اولی را فرود آئید به سمج های دیگری [C] ملاقی میشوید که شکل ( ۱۶ ) پلان آنرا نشان میدهد . و این يك معبدی است که بمناسبت کدام علت مجهولی ناتمام مانده - دهلیزی که بایستی بطرف راست و چپ به هجره های راهبین و دکان ها برود در حین عملیات ساختمان متروک شده ، معذالك چون شکل د و اطاق عمده این معبد در با میان کمتر دیده شده و یکی از آنها مخصوصاً خیلی بزرگ است ، دلچسپ میباشد . این دو سمج مدور و سقف آنها کنبدی است و تزئینات تصاویر رنگه هم داشته چنانچه در سقف کوچکترین آن بعضی آثار تزئینات مذکور باقی مانده ( عکس ۳۵ - ب ) . روی دیوار برنده اطاق بزرگ هم اثرات تصاویر رنگه وجود دارد که در آن شکل های استوپه های بودائی شناخته میشود .

اگر همین خود زینه بودا را تعقیب کنان يك منزل فرود آئید به اطاقی [D] میرسید که سقف آن کنبدی است . گفته میتوانیم که اولاً خود این سمج و اقلأ تزئینات آن معاصر سمج های مجاور جسمه ۵۳ متری میباشد . این تزئینات که بالای ورقه چونه حجاری شده و اثری از تصاویر رنگه ندارد حقیقه شبيه به تزئینات دست که عکس ( ۳۰ - الف و ب ) نشان میدهد حالا آمدم به دودسته سمج های [E] که در عصر بودائی دیوار مشترکه آنها را سوراخ زده آنها را بهم متصل کرده اند . احتمال می رود یکی آنها در اثر ( شکل ۱۶ : - پلان و نیم رخ حصه از معبد ( C ) و ( شکل ۱۷ : - پلان معبد E ) الحاق به مجاورش بزرگ شده باشد . این سمج بلا شبه حایز بودای نشسته بوده که بعد از بت بزرگ ۳۵ متری مهم ترین بت با میان بنظر می آید ، در قسمت فوقانی طاق همین مجسمه تصاویر رنگه

خیلی اعلی وجود دارد که «میتلاند» آنرا رسم نموده و یک عکس آنرا به ما داده است (عکس (۲۷) (شکل ۱۸) :- طاق بودای ۳۵ متری - پلان آن از سطح زمین) این معابد تقریباً همان شعبی را که بودای ۳۵ متری داشته و عبارت از زینة مخصوصه ' رواق خانه ' اطاق اجتماع و غیره میباشد داراست لیکن وسعت آن محدود تر و منفذ های آن ناسنجیده تر است .

برای معرفی کردن ماهیت سمج های بامیان و تعیین نظریه راجع به ساختمان معابد سنگی آن منطقه چند تمثال فوق که به تعداد فوق العاده وجود دارد، کافی است اینک برای تکمیل تعریفات مجمل این دسته سمج های با عظمت و مجسمه های فوق العاده بزرگ پلان طاق بت ۳۵ متری را که از روی زمین برداشته ایم می افزائیم شکل ۱۸

### زینت اصولات معماری معابد بامیان

قدیم ترین سمجهائی که در آنها اولین ذوق آثار صنعتی دیده میشود قریب بت ۳۵ متری تقریباً به سطح زمین واقع اند که در آنها آثار معماری خیلی سرسری مشاهده میرسد و تزئینات رنگه و حجاری شده ندارند . سمجهای فوق از نقطه نظر عتیقه شناسی حایز مفادی اند زیرا آنها نمونه اصلیه سمجهائی هستند که از روی آنها ابتدا در مجاورت قریب خود شان ' بعد ' بدو زبت نشسته و بالاخره آنطرف بودا ۵۳ متری حفر و بعد ها تزئین و تکمیل شده اند . چنانچه در حوالی بت ۵۳ متری فوق العاده ترین شاه کاری های سمج های بامیان مشاهده میشود .

در حوالی بودا ۵۳ متری ' نمونه های اولیه ' اقسام سمج های مختلفه که در تمام جدار سنگی به مدارج مختلفه اکمال خود در سیده اند از قبیل نه اطاق مستطیل شکل که بشکل پشت ماهی پوشش شده ' اطاق مدور ' اطاق منمن و حتی مسدس که

پوشش آن سقف هموار است و دیگر قبیل اطاق ها که به ترکیبات خیلی باریک مانند: اطاق مربع سقف گنبدی و سقف ها نیکه به تقلید مسطح های قدیمه در سنگ تراش شده، بافت میشود. چنانچه شکل ۱۹ دسته ازان در سمج های قدیمه را نشان میدهد.

یکی ازان اطاق ها مربع شکل است که هر ضلع آن ۵۰ ر ۴ متر طول و سقف آن تقریباً نیم کروی است و اگر دقیق تر تعریف شود باید چنین گفت: دیوارهای این اطاق بطرف داخل خمیده شده رفته اند بقسمیکه اطاق شکل تنه مخروطی میگردد که بالای آن گنبدی قرار گرفته باشد. مسئله باریک، گذشتن از پلان مربع به پلان مدور بصورت خیلی ساده حل شده و حتی بدان توجه هم نکرده اند زیرا در این صورت حاضره وسعت سمج خیلی کوچک است و آنها در سنگ مترکم حفر شده است سپس یک نوع پایه کچی و بعد طاقه بشکل پیش برآمدگی روی زاویه داخلی اطاق ساخته، آنگاه پلان مدور را روی پلان مربع قرار داده اند سمج به سمج و منزل به منزل این تجهیزات و تراکیب ترئیناتی که ابتدا بصورت تصاویر رنگه و بعدها بقسم تصاویر خجاری شده استعمال شده اند منتهای انبساط و ترقی خود را به سمج های مجازولت ۵۳ مترمربعی آن حصص دورتر غربی آن دارا شده اند معماری سمج های با میان جز بکنوع ترئین چیز دیگری نیست و استدلال و منطقی از خود ندارد.

مواد عامله عمرانات بی سقف که در اینیه با میان تقلید شده هم جز کار ترئینات عمل دیگری نمیدهند. در باب شکل خود سمج که گنبدی را بالای اطاق مربعی قرار داده اند، گفته میتوانیم از صنعت تقاطعی گرفته شده که بعلت نداشتن چوب مجبور بودن بدون ساختمان طاق چونی وسیله عملی برای گذاشتن گنبدی بالای

پلان غیر مدور پیدا کنند « شوازی Choisy » میگوید: به نگاه اول گاهی معلوم نمیشود که گنبد یعنی سقف مدور برای اطاق مربعی تعیین شده باشد، بلکه چنین بنظر میآید که چهار دیوار محوطه آن مانند گمان های صومعه تدریجاً بالای فضای آزاد خم شده رفته باشد لیکن در انصورت طاق ها لازم دارد. مزیت این گنبد این است که طاق نمیخواهد.

پیوند به پلان مئمن چیزی سهل است زیرا مئمن هر چه به دایره که محاط کرده نزدیک شده رود، قریب به طرزای میشود که عبارت ازین است که با چهار طاقه که بشکل پیش برآمدگی روی زاویه های داخلی میسازند، پلان مربع را به پلان مئمن تغییر شکل میدهند. آنکاه خود گنبدی را بالای نهادن مئمنی که از وجود چهار طاقه زاویه ها تشکیل میشود قرار میدهند.

اصول گنبد سازی فوق الذکر محتملاً بخود بامیان اختصاص دارد.

هند کاملاً ازین رویه بیخبر است. معماری هند که خیلی ها از صنعت هخامنشی بهره ور گردیده بود از اصولات ما هر آنکه گنبد سازی چوبی و سنگی حصه نگرفته و غیر همان تراکیب ستون بندی <sup>طالع است</sup> <sup>کاملاً</sup> <sup>معمول</sup> <sup>تعارف</sup> <sup>چیز</sup> دیگر را نمیداند. صنعت هندی تقریباً بصورت عمومی به همان رویه ستون بندی قدیمه بومی خود رجعت کرده است. معذالک در عصر « گریکو بودیک » یعنی در زمانه که نمونه تزئینات غربی بوجود می آید، در معابدی که بالای تپه های (کندها را) ساخته شده، یکنوع سقفی را کشف کرده ایم که خیلی ها عمومیت داشته است، تقریباً سقف های تمام اطاق ها گنبدی، بعضی ها مستطیل شکلی و سقف آنها در اثر ستون بندی ها بشکل پشت ماهی ساخته شده است (شکل ۳۴ و ۳۵ کتاب صنعت گریکو و بودیک کندها را - مولفه موسیو فوشه).

کنبد کردن اطاق های مدور هیچ اشکالی ندارد. زیرا کنبدی ساختن بالای استوارانه به اصولی که خشت باهر موادی که باشد به تدریج آهسته آهسته پیش پیش نهاده شده تا کنبد تکمیل شود خیلی ها سهل است. در صورتیکه اطاق مربع باشد و سقف آنرا کنبدی بسازند البته کمی مشکل تر می افتد. موسیروفوشه میگوید: « در موقع خود معماران هندی هم به اشکالات مواجه شده بودند که چطور محوطه مربع شکلی را با کنبد نیم کروی بیوشانند؟ چنانچه این مسئله باریک تا قرن ۵ که مسجد « اباصوفیا » قسطنطنیه تعمیر نشده بود، حل نگردید.

واضح است که در هند یا دیگر جاها اصول ما هرانه و قشنگ « پاندان تیف » Pendentif (۱) که کاملاً مسئله را حل میکرد کشف نشده بود. و چون يك، دو یا سه سنک را در چهار کنج اطاق پیش برآمده قرار میدادند شکل مربع را به هشت ضلعی تبدیل میداد. معماران کندهارا هم برای گذشتن از پلان هشت ضلعی بدایره، دست پاچه نشده اند و خوشبختانه « کول » Cole اول از همه در قریب « سنگاوار » Sanghao اوطاق های زیر زمینی یافته است که تا آنوقت محافظه شده بود و نمثال نمونه های صلی این اصول را نشان میداد.

پس چنین بنظر میآید که هندو حتی هند بودائی کندهارا، اصول کنبد سازی فوق الذکر را بالای پلان مربع نمیدانستند.

در ترکستان هم طوریکه از صحنه های منقوش و ابنیه بعضی نقاط مثل ایلی - کول Ili Kōl قریب « کمیول » Komul استنباط میگردد ظاهر میشود که اسلوب کنبد سازی فوق بالای پلان مربع معمول نبوده در بعضی صحنه های رنگه که تقلید اصولات معماری را نشان میدهد، آنقدر از نقطه نظر معماری به بی مهارتی ساخته شده

(۱) نسبتی از سقف کروی که بالای کمان های بزرگی نهاده شده باشند که برای استقرار کنبد بکار روند.

که معلوم میشود رسم کنندگان آنها هرگز نفهمیده اند که از روی چه تقلید میکنند و سرمشق خود چه را قرار داده اند. کاریگر بامیان مواد عامله را بچشم خویش دیده و نقل کرده (۱) لیکن نقاش ترکستان تزئیناتی را که رسم کرده معنی و مفهوم خارجی برایش نداشته است از طرف دیگر گنبد ها ئیکه درین مملکت میساختند راساً بالای پایه های قوی چوبی قرار میگرفت که در کنج های اطاق مربع نصب میکردند.

در قزلب ( ترکستان ) گنبد ها ئیکه سمج های مربع را می پوشاند در سنگ و در مرکز یک سقف هموار تراشیده شده و معماران هرگز ازین مسئله به تشویش نه افتاده اند که آیامثلک های باقیمانده منصوب میباشد یا نه.

حالا برای اینکه تعریفات مانشویش ذهنی تولید نکنند پس به شکل ۱۹ مراجعت نموده تعریفات خود را ادامه دهیم: سمج نانوی یکی سمج کوچکترین اطاق مربع سقف گنبدی است که کوئی گنبد آن بالای ترکیبات استون ها قرار گرفته باشد. این شاه تیرها که بطور مائل گذاشته شده اند آنقدر غیر ما هرانه نوك های شان روی هم قرار گرفته که فوراً حالی میکنند که صنعتگران محلی این رویه معماری را که عبارت از پوشانیدن اطاق های وسیع باستون های کوتاه باشد نمیدانستند. این اولین آزمایشی است که بمقصد تزئیناتی از صنعت تعمیرات کدام حصه دیگر آسیا تقلید شده. طوریکه بمشاهده رسید چطور گنبدی بالای پلان مربع تکمیل شده رفته است از این آزمایش ساده هم منزل بمنزل در سمج های جدار سنگی بت های بزرگ مدارج

(۱) در وقت حفریات در یک دبر Kaboura « کابورا » قدیم یعنی « کابل » اطاق زیر زمینی یافتیم که گنبد آن بالای طاقه های زاویه ها بر طبق اصولات معماری فوق از خشت ساخته شده بود ازینجا معلوم میشود که استعمال این اصول معماری را معماران این منطقه مجاور بامیان میدانستند.

تکامل را پیموده است این طور کنگبند را ابتداء در قرابت بوداً ۳۵ متری در يك اطاق همسطح زمین حفر کرده اند (شکل ۱۸) سپس در یکی از سمج های معبد مجاور که پلان آن را داده ایم (شکل ۱۴ عکس ۳۲ الف و ب) و بعدها قدری بلند تر در جدار، در يك معبد دیگری (عکس ۳۴ الف) و باز بسا دفعات دیگر اطراف بودای ۵۳ متری و بالاخره چندین تمثال این تقلید بصورت فوق العاده صحیح در ساختمان مسطح چوبی بمشاهده رسیده است (شکل ۲۱ - عکس ۳۵ الف و ۳۶).

ساده ترین صورت پوشش يك محوطه مربع شکل عبارت ازین است که برای برداشتن سقف يك عده شاه تیرهای چوبی و یا سنگی را از يك ضلع به ضلع مقابل افکنده شود (شکل ۲۲ الف) هویدا است که این طرز پوشش تا اندازه محدود و از خود صورت امکانیت دارد: زیرا تیرهای سنگی عموماً طویل نمیشوند و تیرهای چوبی که حایز قطر بزرگ باشد غالباً نادر و قیمتی میباشد لذا معماران به کمال مهارت در مقام تفحص برآمده بفسکی افتادند تا از موادی که در دسترس داشتند اصول دیگری پیدا کنند و عوض اینکه تیرها را رأساً از يك ضلع بضلع مقابل اندازند چنین قرار دادند که از يك ضلع به وسط ضلع مجاور اندازند (شکل ۲۲ ب).

در اثر چهار تیری که باین ترتیب گذارده شود مربع جدیدی بدست میآید که سطح آن عیناً مساوی نصف سطح مربع اولی و نسبت طول اضلاع آن یعنی نسبت طول تیرهای لازمه با طول اضلاع مربع اولی مثل نسبت ۷ به ۱۰ میباشد.



پس از روی این اصول با تیر هائیکه طول آنها مختلف باشد، میشود اطاق مربعی را که سطح آن بزرگ و یا مضاعف باشد به مراعات یکی از دو اصول فوق به پوشانیم .

اگر هنوز هم سطح مربع نانوی وسیع باشد میشود باز، مجدداً بشرح فوق، دفعه دیگر در وسط اضلاع مربع ستون ها افکنند، بدین صورت مربع ثالثی بدست میآید که اضلاع آن مساوی نصف اضلاع مربع اولی و سطح آن  $\frac{1}{4}$  سطح عمودی پوشاند . میباشد . به تعقیب این اصول میشود مربع مرکزی را به  $\frac{1}{8}$  و یا  $\frac{1}{16}$  و یا هنوز هم کوچکتر ساخت . مزیات این صنع تعمیرات خیلی بلند و عمومیت آن در تمام ممالکیکه برای پوشش ابنیه خود چوب و یاسنگ استعمال میکنند، خیلی زیاد است . بواسطه سادگی فوق العاده و سهولت استعمال خود این اصول در عده زیاد مناطق آسیا ایجاد و بعد طرف استعمال قرار گرفته چنانچه هنوز هم آنرا مستعمل می بینیم .

پروفسور شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

